

پان

ندای

زنان و مردان ایران بفرمان پان انیسم پیایزید پیایزید برای بازگرداندن شکوه وسروری خون پیایزید برای انتقام از بیگانگان ستمگر و بیگانه پرستان مزدور

روزانه سه شنبه ۲۴ دیماه ۱۳۳۰ ۱ ریال
دوره دوم شماره ۱

چرخ پر شکوه تاریخ میگردان و پان ایرانیسم ستمگر و بیگانه پرست می نازد

دو کردایی از شک و در بدی در
لجندری از فقر و برانگیزی ندای رهایی
بخش پان ایرانیسم از کوی فشرده ملت
ما بیرون جست .
بدنبال یکصد و پنجاه سال بردگی و
سیه روزی صدای برخورد زنجیر های
گسران استعمار ایران خفته را بیدار
کرد
خورشید حقیقت درخشید،
شعله فروزان پان ایرانیسم از دل
تاریخ بقب جوانان بیدار شده میهن مسا
افتاد و نبرد برای درهم دریدن بندهای
استعمار، برای رسوا کردن پندار های
اهریمی، برای واژگون کردن کاخ ستمگری
آغاز شد .
در این نبرد مرگ و زندگی دشمنان
دست در دست هم بسوی ماتمختند و نودان
زور و زور یکجا بروی ما شمشیر کشیدند
ولی پان ایرانیسم فرمان پیروزی
خود را از دست تاریخ گرفته و
بدنبال سیل خروشان نیازهای ستمگر به
سنگر دشمنان ملت ایران را کوبیده و راه
خود راه بسوی هدف باز میگرد .
دیروز پان ایرانیسم بسختی جای خود
را در منزهات افسون شده و قلبهای برییم
و هراس باز میگرد .
ولی امروز بانک پان ایرانیسم
از کوی و برزن گمنامترین شهرها
و از سینه دشت و دمن دور افتاده
ترین دهکده های ایران بزرگ
بگوش میرسد .
دیروز دشمنان پان ایرانیسم
تیر های گوناگونی در ترکش
خود داشتند ولی امروز دژ
پولادین پان ایرانیسم تیرهایی از
تهمت، تیرنگ، خیانت، خود پرستی
و غرض ورزی را که بسوی اورها
شده بر سر نه سنگ نشاندند
پس شما همه زنان و مردان ایران
هر چه زود تر جای خود را در میان صف
شکست ناپذیر پان ایرانیسم بر کنید تا
بسط استعمارگران در هم ریزیم تا هیئت
حاکمه سیاهکار را بگاک و خون کشانیم
تالاشه جهود زادگان بول پرست را برس
دارا به پیشم .
ای ایرانی ما برای بزرگی و سر
افرازی میهن تو، برای آزادی و برتری
تو و فرزندان تو میجنگیم پس تو هم پیش
از آنکه زخم استعمارگران در دمان یابد پیش
از آنکه هیئت حاکمه صف آرائی کشند
پیش از آنکه افسون بیگانه پرستان دلهای
ساده لوح را بفریبد با باری کن
ای ایرانی، حزب ملت ایران
بر بنیاد پان ایرانیسم سنگر شکست
ناپذیر میهن توست، حزب ما
کانون تجمع پرشورترین فرزندان
تست پس توهم امروز پیای خیز
از بنیاد گذاران ایران بزرگ و
زاد فردا باشی
پاینده ایران

خبرهای ما انتخاب دانش آموزان و حزب نو ده اسلحه سرد و گرم در محل سازمان جوانان و خانه صلح

توطئه توده ایها برای انتخابات - لغو آئین نامه امتحانات
حزب توده و کامیونهای لواتور - برخورد ملت
با بستن کنسولگریهای انگلیس
دیروز هم یکی از آن تهیه های
خطرناک حزب توده نقش بر آب شد .
گردانندگان حزب توده که چون از بابان
نفتی شان عادت کرده اند از هر جریایی به
نغمه نوبیات بلید خود که طبعاً هم آهنگ با شرکت
سابق نفت است استفاده کنند قصد داشتند
اعتصاب دانش آموزان را وسیله کشت و
کشتار و خونریزی جدیدی قرار دهند .
آنها قصد داشتند در صورت عنوان اعتراض
به آئین نامه امتحانات دموکراسیون دانش
آموزی راه اندازند و جلوی مجلس
بیایند .
صحنههایی که چته گریخته از زبان
بعضی دانش آموزان توده ای شنیده شده
حاکمی است که حزب قصد داشته است تعدادی
دانش آموز کارخانه چیت سازی و غیره را مسلح
به طابعی داخل صفوف دانش آموزان
بگذارد .
ماموریت اینها این بوده که در میدان
بهارستان بجهت تماشایی و بخصوص
باسیاه تیراندازی و موجبات یک خون-
ریزی شدید و احیاناً بلوای بزرگ فراهم
سازند خوشبختانه دولت بوقوع متوجه این
امر شد و دستور لغو مقررات جدید را
داد .
در جریان فوج گویا یکی از فرصت
طلبان فرهنگی که اکنون بیکی از احزاب
ظاهرا مملی وابسته است و سابق زیادی در
دودوزه بازی کردن دارد بی دخالت نیوده
و آنرا دامن میزد است
اطلاعاتی رسیده که هم اکنون در محل
سازمان جوانان دمکرات تعدادی از
جوانانی که تیراندازی آموخته اند بسا
طبیعتی نگهبانی روزانه دارند، علاوه
بر طبعی ببقدر کافی چوب و چاقو در آنجا
ذخیره شده و این سرودها می که هر شب
توده ایها به سانه تبلیغات انتخاباتی در
اسلامبول پراه میاندازند بدین منظور است
که گروهی افراد وطن پرست را تهییج و
بقیه در ص ۲

گفت و گو در باره ناسیونالیسم

قبل از آنکه از ناسیونالیسم سخن
بگویم لازم است در اینجا گفته شود که
ما برای حل دودک بدیده ها و مسائل اجتماعی
دو فراز «مکان و زمان» و «قانون تکامل»
برگزیده ایم .
مادراین گفتار از این دو فراز گفتگو
نویسیم و در موقع لزوم باندازه کافی سخن
بمیان خواهیم آورد ولی همینقدر باید گفته
شود از نظر منطق تاریخ واژه «مکان»
یا بهتر بگویم واژه «محیط» دارای
مفهوم خاصی است که با عوامل دیگر و
بیاری آنها واحدهای اجتماعی خاص ایجاد
میکند همچنین از نظر منطق تاریخ واژه
«زمان» را نمیتوان یک زنجیر بهم پیوسته ای
دانست که گذشته را در دنبال گذشته و آینده
را در بطن خود میپروراند اگر چه یک
چنین پنداری از تاریخ برای مطالعه آن
لازم است ولی برای کشف مسائل اجتماعی
گمراه کننده است .
بنابراین از نظر ما زمان نیز در وهله اول
ارتباط تام و کاملی با محیط مخصوص بخود
داشته و از هم انفکاک ناپذیرند
باید چنین پندار و درکی از فراز
«زمان و مکان» در مورد قانون تکامل
باید بگویم که منظور ما یک تکامل فلسفی
و اجتماعی است که در همه چیز مشاهده
شود. بایک چنین پنداری از دو فراز فوق

از مجله «اوایل فوروم»

عمل ملی شدن نفت ایران در نظر
دنیای غرب و بخصوص دارندهگان امتیاز
های بزرگ نفتی انقدر عجیب و عظیم و
حیرت آور بود که در خلال اجرا هیچوقت
مجال تفکر در واقعیات در حال اجرا را
نداد
آنها باور نمیکردند چنین حوادثی
قابل حدوث است اکنون که جریانات اصلی
این مسئله یعنی تصویب قانون، خلعید و
از همه مهمتر بیکار انداختن مجدد آن به
دست ایرانیان چون قافله سریع السیری
در مسیر درخشان رستاخیز ملی و عظمت
ایران در افق دور دست به پیش میرود و
گردوغبار چشم نفت خواران حیرت زده
را آزار میدهد بحث در اطراف علل و
بیدایش و فرجام این ماجری در روزنامه ها
و مجلات نفتی و سیاسی غرب توسعه می-
یابد .
آنها چون افراد کجی که همیشه
افسوس فرصت از دست رفته و کار غلط
انجام یافته را میخورند از این بحث میکنند
که اگر فلان کار را میکردیم فلان طور
نمیشد .
مجله «اوایل فوروم» یکی از مجلات
وزین و مشهور نفتی امریکا تحت عنوان
«بحران نفت ایران اجتناب ناپذیر بود»
بحث جالبی را شروع نموده است که به
بهترین وجهی این تاسف بی پایان خداوندان
نفت را میرساند:
این مجله بخواهندگان خود نویسد
است مطالب و اسراری را از جریان ملی
شدن نفت ایران در اختیار آنان بگذارد
که سابقاً از آن بی اطلاع بوده اند چون
مطالب مزبور کاملاً قایل توجه بودمانیز
از این شاده ترجمه آنرا در اختیار
خوانندگان خود میگذاریم .
چون این همه ظلم و جنایت ظاهری
بدست ملت انگلیس و در حقیقت بدست
گروهی جهود خونخوار و صاحب سرمایه
صورت میگرفته و هدفش جز ارضاء حسن
بول برستی و تیرکز تروت همان گروه
ممن نبود طبعاً عوامل اجرائی این جنایات
نیز در نظر گردانندگان اصلی جز معادل
ابزار کار ارزشی نداشته و بعضی آنکه
وظیفه خود را انجام میداده اند و

بحران نفت ایران اجتناب پذیر بود

به تشبیه رضایت بخشی برآمد و هیچکس هم
نمیتواند پیش بینی کند که عاقبت چه خواهد
شد .
علامت و امارات زیادی وجود دارد
که نشان میدهد این بحران اجتناب پذیر
بود و از ملی شدن نفت ایران میشد جلو
گیری کرد ولی بدبختانه (البته بازم از
بقیه در ص ۲

نوشته لورنس

سیاست شوم و خاخه برانداز استعماری
انگلیسی از ۳ قرن پیش پس از یک رشته
مطالعات مقدماتی و تشخیص منابع عظیم
تروت در کشورهای شرقی بترتیب بسا
دست پادشاهان و وزراء جاهل یا خائن از
طریق رشوه و بعداً بانفوذ در قشور وسیع
ملتها با استفاده از عده ای افراد رذل و پست
همان ملتها چون سرطانی خطرناک و
کشنده در کوی ملل شرقی رخنه و شروع
به نهب و غارت و محو هستی و حیات آنها
نموده است .
این سیاست جنایت کار برای پیش
بردن منظور خود از هیچ گونه جنایتی
روگردان نبوده و باقتضای ضرورت شاه
کشته ، و زیرخفه کرده ، خانواده ها نابود
نموده، ملتها را بیجان هم انداخته و بالاخره
بباید تحطی و مرگ دسته جمعی نموده ،
و آنجا که دستش از همه این کار ها کوتاه
بوده بوسیله جاسوسان خود میکروپهای
نابودکننده و باوطاعون و خصه رادر آب
های مشروب وارد و نسل و نسله یک ملتی
را در معرض انقراض مطلق قرار داده
است .
چون این همه ظلم و جنایت ظاهری
بدست ملت انگلیس و در حقیقت بدست
گروهی جهود خونخوار و صاحب سرمایه
صورت میگرفته و هدفش جز ارضاء حسن
بول برستی و تیرکز تروت همان گروه
ممن نبود طبعاً عوامل اجرائی این جنایات
نیز در نظر گردانندگان اصلی جز معادل
ابزار کار ارزشی نداشته و بعضی آنکه
وظیفه خود را انجام میداده اند و

هفت پایه خرد

وجودشان بی فایده یا از آن نظر میرسد
و لذا بدست از بابان و آمرین خود از بین
برده شده اند .
یکی از بزرگترین و خطرناک ترین
و شاید بطور قطع بزرگترین و خطرناک
ترین این عوامل «لورنس» مؤثر ترین
جاسوس انتلیجنت سرویس انگلستان
است .
این مرد عجیب که بجزرت میتوان
گفت موفقیت انگلیسیها در جنگ بین الملل
اول در درجه اول مرهون اقدامات مجرب
القول است و در راه پیشرفت سیاست و
اقتصاد انگلستان عظیم ترین جنایات را مرتکب
شد خود فدای مطامع سرمایه داران جهود
انگلیس شد، نه بدست دشمنان
انگلیس، نه بوسیله تصادف بلکه بدست
همان بست نهادانی که از تیره نالیتهای
خارق العاده اش آفاقی خود را در دنیا محرز
گردنود صدها میلیارد از تروت ملل شرق
را پیش از پیش به یما بردند
لورنس معروف به شاه سابق بی تخت و تاج
عرب بدست عمال «انتلیجنت سرویس»
که خود درخشانترین ستاره آن بود کشته
شد .
آری این موجود خارق العاده، کسی
که امپراطوری عظیم ترک را متلاشی کرد
کسیکه امیر فیصل و ملک عبدالله را سلطنت
وامارت بخشید، کسیکه سبب شد و دمان
شریف مکه (بدر فیصل و ملک عبدالله) فقط
بخاطر تردید در اجرای دستورانش بر باد
بقیه در ص ۲

انتقام مظهر عدل الهی است

بسیارند!
۲- میرزا هاشم در شیراز کنسول
باشد
۳- صدراعظم ایران برای عذرخواهی
خدمت شاردن در سفارت برسد!
«اقتیاس از روضه الصفا مربوط به
زمان ناصرالدین شاه»
امروز: تلگراف بخبر مشهور، هیئت
مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران.
لروما من نظریه هیئت محترم مختلط
مامور نظارت اجرای قانون ملی شدن
صنعت نفت را که مورد تصویب دولت
نیز قرار گرفته بشح زیر برای اجرا
ابلاغ بنمایند!
«در اجرای تعهداتی که دولت نسبت
بقیه در ص ۲

ای انگلیسیها

دیروز، چون جناب جلالتمآب «چادر
اکسشن مری» وزیر مختار و ابلیجی مخصوص
دولت بیهی انگلیس وارد بندر بوشهر شد
کار گزاران دیران کمال تعظیم و تکریم
بظهور آوردند هنگام ورود
وزیر مختار برزایران از طریق بغداد تعداد
کثری از سرتیپها و وزراء و واحدهای
نظامی از بغداد با نظرف مقدم او را استقبال
و در عرض راه همه جا با عزتی لایق وحشمتی
داخل شهر عبور دادند . در نقاط مختلف
های متعدد نظامی احترامات کافی بعمل
آوردند و بعضی ورود سفارت اعظام و
اکابر دولت و قاطبه وزراء در سفارت بحضور
نامبرده مشرف و از طرف صدراعظم طبق
های حلوبات برای میمنت فرستاده شد
خود صدراعظم نیز برای تبریک ورود سفارت
آمد .
«اقتیاس از روضه الصفا»
مسترتا من صاحب، شاردن در انگلیس
از وزیر دولت ایران خواست که به مقرری
میرزا هاشم نوری که از صفر سن تا عنفوان
شباب! در دستگاه دولت خدمتگذار بوده و
اکنون بانجاب شاردن در مرادوت خاص
دارد بفرزاند. اولیای دولت پاسخ دادند
میرزا هاشم مقرری کافی دریافت میدارد .
شاردن در فرآ این پاسخ غیاری برخاطر
نشست و در تقویت و تصاحب! میرزا هاشم
عزم جزم نمود و عیال او را که از خاندان
سلطنت بود از خانه اش خارج و در جوار
سفارت مسکن داد. اولیای دولت بتلاطمات
دینی آن زن را بخانه پدرش فرستادند جناب
شاردن در فرآ این کار بیشتر متغیر و اولتیا توتم
سه ماده ای بدولت داد:
۱- عبال میرزا هاشم را ب سفارت

همه را لولوبرد

با از دست رفتن نفت ایران در
راهروهای «بر تانیک هاوس» فکر تازه ای
حکمرانمائی میکنند .
شرکت سابق نفت که به نحو بدی در
ایران سوخت قعلا خیلی محتاط شده و با
کمال خرم خود را برای ازدیاد درآمد
آماده می کند و بسین زمین شناسان را بنقاط
مختلف روانه میسازد قیافه شرکت نفت حالا
دیگر عوض شده .
لباس رسمی و کلاه سلندر کنار
گذارده شده و میبخواهد با کلاه بندی و لباس
کلا و ابزار عمل مشغول فعالیت شود زیرا
سرمایه عجیب و هتکنتی را که براحتی می
خورد از او گرفته اند ولی هیبت که «چوجه
را که به پس نخواهد داد» و دیگر آن همه را
لولوبرد .
بدبخت اولیای شرکت در عرض همین
مدت کوتاه میلیونها لیره در «پاپوا» و
سوریه خرج کرده و کوچکتین نتیجه ای
نگرفته حتی یک قطره نفت هم پیدا نشده
است .

فتخار بر حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم تکیه گاه دلیر ترین عناصر ملی و میهن پرست

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

